

Analyzing the Roots and Ideas in Three Historical Narratives of "Salman and Dasht Arjaneh"¹

Akram Karmi^{*2}, Zahra Parsapour³

Research background

Considerable researches have been done on Shiite literature. In the meantime, the studies that specifically deal with Velayatnameh are limited, while this type of literature is widespread in Shiite literature. Dealing with velayatnamehs can be useful from various literary, historical and anthropological aspects. Akram Karami's doctoral dissertation entitled *Analysis of Shia Poetry Types in Safavid Era*, emphasizing the poetic analysis of the Velayatnameh type, and introducing the literary type of the Velayatnameh, investigated the general structure of this literary type and presented examples of literary compositions in this type until the ninth century. Vakilian and Salehi in the book of *Hazrat Ali in Folk Tales* tell stories and narrations about Hazrat Ali which are popular among common people and indicate his dignity and virtues. The story of Salman and Dasht Arjaneh is one of the stories narrated in this book.

Received: 24/07/2022

Accepted: 15/09/2022

* Corresponding Author's E-mail:
akramekarami3845@gmail.com

1 This is extracted from the postdoc study entitled *Analysis of Shia Poetry Types in Safavid Era* conducted in Research Center of Humanities and Cultural Studies supported by the Research Support Organization.

2. Postdoc researcher of Persian Language and Literature, Research Center of Humanities, Tehran, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0002-6306-5755>

3. Faculty of Research Center of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0003-3598-1219>

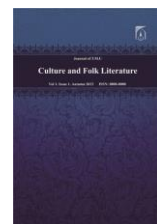


Objectives, questions, and assumptions

One of the folk stories that has been reflected in the literary genre of Velayatnameh is the story of Salman and Dasht Arjaneh. In this story, Hazrat Ali appears as the supporter of Salman Farsi, who was also oppressed by chance, and fights with a lion in the Arjaneh plain and saves Salman. The purpose of this article is to introduce three narratives of three poets in three provinces. Although this story has been brought to order many times, in this research, we will only compare and analyze three old versions of this story. In this review, the narrative-religious and historical dimensions of these narratives are analyzed, while we express the intellectual roots of these narratives in myths and folk beliefs. This article tries to show the similarities and differences of these three narratives, and introduce and analyze the structure and content of these three provinces in terms of narrative and literature. This article seeks to answer these questions: What is the literary type, structure and content of these three narratives? What changes have taken place in the different narratives of this story? What is the origin and literary, historical and narrative background of this folk tale?

Main discussion

Shiite poetry with its varied genres, formats, themes, approaches, and functions is a part of our literature. Velayatnamehs are one of the literary types of Shia poetry, which, due to its narrative-fictional structure, have become a platform for the expression of many stories and folk beliefs of Shia poetry. Velayatnameh is a relatively old literary genre that, by emphasizing the virtues and miracles of the innocent, which is sometimes accompanied by poetic imagination and exaggeration, tries to convince and consolidate the beliefs of the friends of Hazrat Ali and his family, while challenging his enemies as well. This type of literature is mixed with folkloric and popular ideas.



Great historical figures are not only forgotten with the passage of time, but under the influence of people's judgments, new narratives are formed about them. Hazrat Ali is an attractive personality and has a high position among the nobles and the common people, which is a part of the common people's familiarity with him through narratives and stories that have been formed in the form of verse or prose throughout history, and often reciters in gatherings used to recite those narratives with an expressive and attractive tone. Undoubtedly, these narrations have changed over time for various reasons and sometimes they have been transformed and we are now facing different narrations of the same story. However, the hidden truth behind all of them is the creation of an extra-terrestrial and extra-temporal personality of that Imam in people's beliefs, which can untie knots in situations. In these narratives, it is sometimes linked with historical narratives

Conclusion

The story of Salman and Dasht Arjaneh is one of these folk tales of which there are many narratives, and it is written in the form of the literary form of Velayatnameh. The oldest reference to this story apparently dates back to the 6th century. This research showed that the entirety of this story has not been narrated in the narrative books, but it seems that the narrators formed this story by combining some of the honors quoted from the Holy Prophet in the narrative texts and adding events and side incidents to it. Also, the comparison of three narratives of this story with a gap of about two hundred and fifty years showed that over time mythological and popular beliefs found their way to this story. This story is based on honors of Hazrat Ali like Tey al-Arz, communication from Sir Salam and friendship with animals, Tey al-Zaman, etc., indicating that these virtues were exaggerated.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۶، مهر و آبان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.46.2.1

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از

«سلمان و دشت ارژنه»^۱

اکرم کرمی*^۲، زهرا پارساپور^۳

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴)

چکیده

شخصیت حضرت علی (ع) در فرهنگ و ادبیات عامیانه ایران زمین گاه با تاریخ، گاه با اسطوره، گاه با روایت‌های دینی و گاه با تخیل پیوند خورده است. یکی از قصه‌های عامیانه‌ای که تبلوری از مصادیق فوق است قصه سلمان و دشت ارژنه است که توسط مناقب‌خوانان چندی نظیر سید علی (قرن هشتم)، افجنکی (قرن نهم و دهم) و آتشی شیرازی (قرن دهم) به نظم کشیده شده است. مسئله اصلی این مقاله تحلیل قصه سلمان و دشت ارژنه در این سه روایت است. برای تبیین این مهم، این روایت‌ها را در سه

۱. این مقاله مستخرج از طرح پسادکتری گونه‌های شعر شیعی در عصر صفوی در پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی است و با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران به رشته تحریر درآمده است.

۲. پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

*akramekarami3845@gmail.com

<http://www.orcid.org/0000-0002-6306-5755>

۳. هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

<http://www.orcid.org/0000-0003-3598-1219>

بخش بررسی کرده‌ایم: ۱. معرفی نوع ادبی روایات سلمان و دشت ارژنه؛ ۲. تحلیل ساختاری و محتوای روایات؛ ۳. درنگی بر پشتوانه روایی، تاریخی و اسطوره‌ای این روایات. نتیجه این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شد نشان می‌دهد که داستان سلمان و دشت ارژنه در هر سه روایت در قالب گونه ادبی ولایت‌نامه سروده شده است که به دلیل ساختار داستانی - روایی بستری مناسب برای سرودن قصه‌های عامیانه است. کلیت این داستان، پشتوانه روایی ندارد، اما پاره‌ای از آن که به بیان کرامات و معجزات حضرت علی (ع) اختصاص دارد در کتب روایی - مذهبی تأیید می‌شوند. همچنین بخش‌هایی از داستان با اسطوره‌ها و باورهای عامیانه پیوند خورده است. این پژوهش نشان داد بخش‌هایی که به این داستان در گذر زمان اضافه شده است بر وجهه عامیانه و اسطوره‌ای آن افزوده است.

واژه‌های کلیدی: حضرت علی (ع)، ولایت‌نامه، سلمان، دشت ارژنه.

۱. مقدمه

شخصیت‌های بزرگ تاریخی با گذشت زمان نه تنها فراموش نمی‌شوند، بلکه تحت تأثیر قضاوت‌های مردم روایت‌هایی تازه درباره آن‌ها شکل می‌گیرد که هرچند اصل این روایت‌ها ساختگی است، اما حقیقتی در دل آن‌ها نهفته است. حضرت علی (ع) شخصیتی پرجاذبه و دارای جایگاهی رفیع در میان خواص و عوام است. کتاب‌های بسیاری در مورد عظمت این شخصیت از سوی مسلمان و غیرمسلمان نوشته شده است، اما بخشی از آشنایی عامه مردم با ایشان از طریق روایات و داستان‌هایی است که به صورت منظوم یا منثور در طول تاریخ شکل گرفته است و غالباً مناقب‌خوانان در اجتماعات، آن روایت‌ها را با لحنی رسا و جذاب نقل می‌کردند. بی‌تردید این روایات، خود در گذر زمان به دلایل مختلف تغییر کرده و گاه متحول شده‌اند و ما اکنون با

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

روایت‌های مختلفی از یک ماجرا روبه‌رو هستیم. با این حال، حقیقت نهفته در پس همه آن‌ها ساختن شخصیتی فرازمینی و فرازمانی از آن حضرت در باورهای مردم است که می‌تواند در بزنگاه‌ها گره‌گشایی کند. در این روایت‌ها که گاه با روایت‌های تاریخی نیز پیوند خورده است، می‌توان رد پای باورهای عامیانه و روایت‌های اسطوره‌ای و تاریخی را دید. تحلیل و بررسی این روایت‌های عامیانه و تمییز هر یک از این بخش‌ها، یعنی بخش تاریخی، اسطوره‌ای و فولکوریک داستان‌ها و نیز تغییراتی که در روایت به مرور زمان رخ داده است، می‌تواند در شناخت و تنقیح اندیشه شیعیان در طول تاریخ راهگشا باشد.

۲. بیان مسئله و روش پژوهش

شعر شیعی با تنوع ژانرها، قالب‌ها، مضامین، رویکردها، کارکردها بخشی از ادبیات ما را شامل می‌شود. ولایت‌نامه‌ها یکی از انواع ادبی شعر شیعی است که به دلیل ساختار روایی، داستانی، بستر بیان بسیاری از قصه‌ها و باورهای عامیانه شعر شیعی شده است. ولایت‌نامه نوع ادبی نسبتاً کهنی است که با تأکید بر کرامات و معجزات معصومین که گاه با تخیل و اغراق شاعرانه همراه است، سعی در باورپذیری و تحکیم عقاید دوستان حضرت علی و خاندانش دارد، ضمن این که در برابر دشمنان وی نیز تحدی می‌کند. این گونه ادبی با توجه به آمیختگی که با اندیشه‌های فولکوریک و عامیانه دارد، در ذیل ادبیات عامیانه نیز قابل بررسی است. یکی از داستان‌های عامیانه‌ای که در نوع ادبی ولایت‌نامه بازتاب پیدا کرده داستان سلمان و دشت ارژنه است. در این ماجرا، حضرت علی^(ع) به عنوان حامی سلمان فارسی که از قضا مورد ظلم هم واقع شده است، ظاهر می‌شود و با شیری در دشت ارژنه می‌جنگد و سلمان را نجات می‌دهد.

هدف این مقاله معرفی سه روایت از سه شاعر در سه ولایت‌نامه است. هرچند این

داستان بارها و بارها به نظم کشیده شده است، اما در این پژوهش تنها به مقایسه و تحلیل سه روایت کهن از این داستان می‌پردازیم. در این بررسی ابعاد روایی - مذهبی و تاریخی این روایت‌ها واکاوی می‌شود، ضمن این‌که به بیان ریشه‌های فکری این روایت‌ها در اسطوره و باورهای عامیانه می‌پردازیم. این مقاله می‌کوشد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های این سه روایت را نشان دهد و ساختار و محتوای این سه ولایت‌نامه را از حیث روایی و ادبی معرفی و تحلیل کند. سؤالات این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای انجام می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. نوع ادبی، ساختار و محتوای این سه روایت چگونه است؟

۲. در روایت‌های مختلف این داستان چه تغییر و تحولی صورت گرفته است؟

۳. ریشه و پیشینه ادبی، تاریخی و روایی این قصه عامیانه چیست؟

۳. پیشینه و اهمیت پژوهش

پژوهش‌های قابل‌توجهی درباره ادبیات شیعی انجام شده است. در این میان، پژوهش‌هایی که به‌طور خاص به ولایت‌نامه پرداخته باشد محدود است، درحالی‌که گسترده این نوع ادبی در ادبیات تشیع فراوان است. پرداختن به ولایت‌نامه‌ها می‌تواند از ابعاد گوناگون ادبی، تاریخی و مردم‌شناسی مفید باشد. رساله دکتری اکرم کرمی با عنوان تحلیل گونه‌های شعر شیعی از قرن هفتم تا نهم با تأکید بر تحلیل بوطیقایی گونه ولایت‌نامه ضمن معرفی گونه ادبی ولایت‌نامه به معرفی ساختار کلی این نوع ادبی پرداخته و نمونه‌هایی از سروده‌های ادبی را در این نوع تا قرن نهم ارائه و تحلیل و بررسی کرده است. احمد وکیلان و خسرو صالحی در کتاب حضرت علی^(ع) در قصه‌های عامیانه به بیان حکایت‌ها و روایت‌هایی از حضرت علی^(ع) می‌پردازند که در بین مردم عامه رواج دارد و بر کرامات و فضائل ایشان دلالت دارد. قصه سلمان و دشت ارژنه یکی از حکایات منقول در این کتاب است. مقاله «بررسی تطبیقی ساختار و

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

محتوای شش روایت منظوم از داستان شصت بستن دیو» از مسلم نادعلی‌زاده و مهدی محمدی نیز روایتگر قصه‌ای عامیانه از کرامات و معجزات حضرت علی^(ع) است (ر.ک: نادعلی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۸).

نوآوری این پژوهش در جمع‌آوری روایات مختلف از داستان سلمان و دشت ارژنه از جنگ‌های شیعی اعم از چاپی و خطی است. همین‌طور پژوهش درباره پیشینه ادبی، روایی و اسطوره‌ای این روایت در کنار مقایسه سه ولایت‌نامه از سه شاعر یعنی افجنگی (قرن نهم و دهم)، سید علی (قرن هشتم) و آتشی شیرازی (قرن دهم) از دستاوردهای این پژوهش است.

۴. داستان سلمان و دشت ارژنه در ادبیات فارسی

داستان سلمان فارسی و دشت ارژنه هم در ادبیات عرب و هم در ادبیات فارسی از قرن‌ها پیش مطرح بوده است. چنانکه ابوالحسن بن ابی محمد مشهور به خلیعی، شاعر اهل بیت که در قرن ششم و هفتم هجری می‌زیسته است در قصیده خود به این داستان اشاره می‌کند:

و حدیث سلمان و نصرته علی اسدالفلاة و علم ما قد اشکدا

(به نقل از محدث نوری مازندرانی، باب الاول)

در شعر فارسی نیز شاعران به این داستان اشاره کرده‌اند. از آن جمله در منظومه *مظهرالعجایب* منسوب به عطار نیشابوری به این داستان اشاره شده است. البته محمدرضا شفیعی کدکنی انتساب این منظومه را به عطار رد کرده است (ر.ک: مقدمه منطق الطیر، ۱۳۸۳، ص. ۳۲).

قصه سلمان و دشت ارژنه بشنو و خوردش مبین اندر تنه

(عطار، ۱۳۴۵، ص. ۷۱)

همین‌طور در قصیدهٔ اهلی شیرازی (۹۴۲-۸۵۸ ق) در منقبت مولا به این داستان اشاره شده است:

گر ز دشت ارژن و سلمان کسی یاد آورد
آب گردد زهرهٔ او گر همه شیر نر است
(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴، ص. ۴۸۱)

این داستان در عصر صفوی برجستگی خاصی پیدا کرد و شعرای شیعی عصر صفوی و بعدازآن به این داستان اشاره کرده‌اند. حماسهٔ *فارغ‌نامه* از فارغ گیلانی (قرن دهم) و نیز منظومهٔ حماسی *کتیب معجزات* از حیرتی تونی (۹۸۴-۹۳۰ ق) نمونه‌هایی از آن است:

که مگر شد فراموشت ای پیر قصه دشت ارژنه با شیر

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۰)

چو چشم شهسوار دشت ارژن به دیدار نبی گردید روشن

(حیرتی تونی، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۲)

علاوه‌بر اشاراتی که این شاعران به این داستان داشتند می‌توان از سروده‌هایی نام برد که به‌طور خاص این داستان را به نظم کشیده‌اند و با عنوان ولایت‌نامه در جنگ‌ها و دیوان‌های شاعران دیده می‌شود که در این پژوهش توجه ما به این مجموعه روایت‌های منظوم است. با توجه به بررسی‌ای که انجام شد قدیم‌ترین شعری که در آن به این داستان اشاره شده است، قصیدهٔ خلیعی است که سابقهٔ این داستان را نهایتاً به قرن ششم برمی‌گرداند.

۵. جایگاه داستان در کتاب‌های عامیانه

همان‌طور که پیش از این ذکر شد روایاتی که دربارهٔ مناقب و کرامات حضرت علی (ع) است، سینه‌به‌سینه در میان عامهٔ مردم منتقل و ثبت شده است، «زیرا

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

مناقب‌خوانان معمولاً در محافل شیعی یا در کوچه و بازار هرجایی که امکان نقالی قصه‌های مذهبی مربوط به حضرت علی (ع) فراهم می‌شد به نقالی می‌پرداختند و مخاطبان یا شنوندگان این داستان‌ها هم معمولاً مردم عامه‌ای بودند که در کوچه و بازار رفت‌وآمد داشتند» (کرمی و بزرگ بیگدلی، ۱۳۹۸، صص. ۲۲۲-۲۲۳).

علاقه شیعیان به شنیدن کرامات و معجزات و صفات حضرت علی (ع) سبب شد تا گونه ادبی ولایت‌نامه جایگاه ویژه‌ای نزد مردم عامی پیدا کند. مناقب‌خوانان و مداحان هم در تبدیل گونه ادبی ولایت‌نامه به یک گونه عامیانه نقش مؤثری داشتند. به‌طور کلی داستان‌ها و روایاتی که با عقاید و باورهای عامه پیوند خورده‌اند هم‌زمان در اساطیر و افسانه‌ها نیز ریشه دارند. داستان سلمان و دشت ارژنه نیز در روایت‌های عامیانه که دقیقاً نمی‌دانیم چه زمانی در میان مردم شکل گرفته است، مایه‌هایی از افسانه‌پردازی و اسطوره را با خود دارد. در کتاب حضرت علی (ع) در قصه‌های عامیانه این داستان نقل شده است:

روزی سلمان فارسی سرگرم آب‌تنی در چشمه‌ای بود که شیری از دشت به سرچشمه می‌آید و روی جامه‌های سلمان می‌نشیند. سلمان با دیدن شیر وحشت می‌کند و به خداوند توسل می‌جوید. در همان حال سواری نقاب‌دار به کنار چشمه می‌آید و با نهیبی شیر را دور می‌کند، یا به قولی با شمشیرش او را می‌کشد و سلمان را نجات می‌دهد. سلمان از آب چشمه بیرون می‌آید و یک دسته‌گل شقایق صحرایی از دشت می‌چیند و به سوار نقاب‌دار هدیه می‌کند. بعدها حضرت علی (ع) در ملاقات و گفت‌وگو با سلمان این واقعه را یادآوری می‌کند و دسته‌گل را به او نشان می‌دهد.

البته در یکی از روایت‌ها در ذیل داستان سلمان و دشت ارژنه، زمانی که سلمان فارسی درباره این داستان با حضرت نبی مکرم سخن می‌گوید به داستان عامیانه

دیگری، از جمله حضور شیری در شب معراج و گرفتن انگشتی پیامبر از ایشان اشاره می‌شود که بن‌مایه‌های اسطوره‌ای پررنگی دارد: «بنا بر باور عام شیعیان که شواهد آن در برخی معراج‌نامه‌ها و منابع شیعه دوره‌های صفویه و قاجار یافت می‌شوند، حضرت علی (ع) در همان شب معراج پیامبر اکرم (ص) به آسمان عروج کرد و به پیکر شیری بر سر راه پیامبر (ص) در آسمان‌ها ظاهر شد و راه را بر او بست و تا حلقه انگشتی حضرت رسول (ص) را نستاند، راه را برای او نگشود» (بلوکباشی، ۱۳۹۹).

۶. پشتوانه روایی داستان

بیان معجزات و کرامات انبیا و اولیای الهی در متون مقدس و روایات بزرگان دین و عرفان، امری رایج در طول تاریخ بوده است. علاوه بر کرامات و معجزاتی که به شخصیت‌ها در متون مقدس و یا روایات موثق نسبت داده شده است، برخی از این کرامات و معجزات به‌مرور شکل گرفته و به این مجموعه افزوده شد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود آیا کرامت ذکرشده در ولایت‌نامه سلمان و دشت ارژن ریشه روایی دارد یا صرفاً در ذهن عامه شیعیان شکل گرفته است؟ میرزا حسین نوری مازندرانی در کتاب *نفس‌الرحمن فی فضائل سلمان* در انتهای باب اول، از قول حافظ بُرسی، محدث قرن هشتم بیان می‌کند که بزرگان شیعه احادیثی را نقل می‌کنند که برخی از بزرگان این زمان آن را انکار می‌کنند و آن را به غلات نسبت می‌دهند. از جمله ماجرای سلمان و دشت ارژن و نجات سلمان به دست حضرت علی (ع). نوری می‌گوید من مأخذ معتبری برای این خبر نیافتم هرچند در اشعار شاعران عرب و عجم بازتاب داشته است (به نقل از محدث نوری مازندرانی، باب الاول).

نویسندگان این مقاله نیز تا جایی که در کتب روایی جست‌وجو کردند این ماجرا را نیافتند و به نظر می‌رسد ساخته و پرداخته شیعیان باشد، اما چنان‌که خواهیم دید، در این

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

داستان به وقایعی اشاره شده است که مبتنی بر روایات است. گویی شیعیان از جمله مناقب‌خوانان اصل روایات را به هم پیوند داده و با درآمیختن اسطوره‌ها و افسانه‌ها، داستانی ساخته‌اند که به مرور زمان همان داستان هم تغییر شکل داده است و روایات گوناگون از آن به دست ما رسیده است. در ادامه به تبیین و تحلیل این سه ولایت‌نامه در دو بخش ساختار و درون‌مایه می‌پردازیم.

۷. تحلیل ساختار در سه روایت دشت ارژنه

این داستان در سه روایت از سه شاعر در سه زمان متفاوت نقل شده است. روایت اول از فردی به نام سید علی، شاعر گمنام شیعی است که در نیمه دوم قرن هشتم می‌زیسته است (پارساپور و کرمی، ۱۳۹۸، ص. پنجاه و هفت). این ولایت‌نامه با عنوان «ولایت‌نامه امیرالمؤمنین علی^(ع) قصه دشت ارژنه نوع دیگر» در ۱۰۷ بیت سروده شده است و در جنگ علی بن احمد مشاهده شد (همان، ص. ۲۰۴). روایت دوم از افچنگی یا افچنگی، شاعر گمنام شیعی در قرن نهم و ده هجری است (همان، ص. چهل و پنج) که در ۹۱ بیت با عنوان «مناقب دشت ارژنه از گفتار مولانا افچنگی» سروده شده و در همان جنگ دیده شد (همان، ص. ۱۴۴) و روایت سوم از میرزا آتشی شیرازی شاعر قرن دهم با عنوان «ذکر سلمان با امیرالمؤمنین ظاهر نمودن حال شیر و دشت ارژنه و شرح آن» است که در ۹۳ بیت در قالب قصیده سروده شده است (آتشی شیرازی، برگ ۱۱۳). چنان‌که دیده می‌شود روایت سید علی از حیث زمانی مقدم است، از این رو در روایت‌های بعدی چنان‌که خواهیم دید، شاهد اضافه شدن بخش‌هایی به این روایت هستیم. خلاصه این داستان به نقل از محدث نوری چنین است:

روزی سلمان با عجله خدمت رسول خدا^(ص) شرف‌یاب شد و عرض کرد: ای

رسول خدا^(ص) من اوصاف شما را در انجیل خواندم و محبت شما در دلم جای

گرفت، همه ادیان غیر از دین شما را رها کردم و آن را از پدرم مخفی نمودم تا سرانجام متوجه شد و نقشه کشتن مرا کشید، ولی دلسوزی او نسبت به مادرم مانع می شد و دائماً چاره‌ای در قتل من می‌اندیشید و مرا به کارهای سخت و دشوار وادار می‌کرد تا این‌که فرار کردم، به محلی به نام دشت ارژن رسیدم در آنجا ساعاتی استراحت کردم ... سپس لباس‌های خود را بیرون آوردم و داخل رودخانه‌ای که در همان نزدیکی بود رفتم. ناگهان شیری آمد و روی لباس‌های من ایستاد. وقتی او را دیدم به وحشت افتادم و از خداوند متعال نجات خود را درخواست نمودم که ناگاه اسب‌سواری پدیدار شد و با یک ضربه شیر را به دو نیم کرد. من از آب بیرون آمدم لباس به تن کردم و خودم را بر رکاب اسبش انداختم و آن را بوسیدم و چون فصل بهار بود صحرا و اطراف رودخانه پر از گل و سنبل بود شاخه گلی گرفتم و به او هدیه کردم و تشکر نمودم. چون گل‌ها را گرفت از چشمان من ناپدید گشت و اثری از او ندیدم، از این جریان بیش از صد سال می‌گذرد و من این قصه را برای احدی نگفته‌ام. امروز علی^(ع) تمام آن قضیه را بیان فرمود و همان شاخه گل را به من نشان داد؟ رسول خدا (ص) پس از اشاره به واقعه معراج فرمودند: ... بدان ای سلمان، هرکدام از انبیا و اولیا از زمان حضرت آدم^(ع) تاکنون که گرفتار شده است علی^(ع) او را از گرفتاری نجات داده است (محدث نوری، ۱۳۸۹، صص ۱۴۸-۱۵۰ به نقل از شاقلانی پور، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۰).

هر سه روایت در قالب ولایت‌نامه سروده شده است. نوع ادبی ولایت‌نامه در عنوان سروده سید علی دیده می‌شود، اما در شعر آتشی در بیت نهم ذکر شده است:

بیا ای مرد دین‌پرور ولایت‌نامه حیدر به جان بشنو مشو منکر اگر مرد مسلمانی
(آتشی شیرازی، برگ. ۱۱۳)

روایت افجنگی از دسته ولایت‌نامه‌هایی است که عنوان «ولایت‌نامه» ندارند؛ و حتی افجنگی در اثنای شعر هم به ولایت‌نامه‌سرایی خویش اشاره نمی‌کند، ولی ساختار و

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

درون‌مایه شعر با ساختار «ولایت‌نامه» یکی است. افجنگی هم در عنوان و هم در بیت اول از اصطلاح «مناقب» استفاده می‌کند:

ای مؤمن موحد دانای باخبر بشنو یکی مناقبِ موزونِ معتبر
(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۴)

ساختار ولایت‌نامه‌ها همان ساختار قصاید است. ولایت‌نامه‌ها نیز گاه با تغزل آغاز می‌شود و گاه مقتضب است. در مقطع ولایت‌نامه‌ها نیز شاهد اظهار ارادت و نیاز شاعر به خاندان عصمت و طهارت و تولی و تبری هستیم. این ابیات می‌تواند مذهب شاعر را نیز نشان دهد. برای مثال آتشی شیرازی خداوند را به چهارده معصوم قسم می‌دهد و طلب آموزش و بخشش می‌کند و می‌خواهد که در قیامت با ساقی کوثر محشور شود.

حکیم حاکما پروردگارا قادرا پاکا	به حق احمد و حیدر شهان ملک سلطانی
به حق فاطمه خیرالنسا اندر صف محشر	گناه ما به او بخشی رحیمی هم تو رحمانی
به حق شبر و شبیر زین العابد و باقر	به حق صادق و کاظم رضا سلطان برهانی
به تعظیم تقی و هم تقی و عسکری یارب	به حق مهدی هادی امام پاک حقانی ...
که از جرم و خطای ما ز لطف خویشتن بگذر	به رحمت آتشی را هم بیخشایی که رحمانی

(آتشی شیرازی، برگ. ۱۱۶)

مناقب‌خوانان و نقالان نیز معمولاً با افزودن ابیاتی در مدح مولا و یا ذم دشمنانش و نیز توسل به آن حضرت به این روایات تازگی می‌بخشیدند. همین‌طور چنان‌که خواهیم دید در پی‌رنگ داستان و جزئیات روایت تصرفاتی می‌کردند.

۸. تحلیل محتوایی سه روایت

همان‌طور که گذشت ذکر کرامات و معجزات حضرت علی (ع) در قالب داستانی از شاخصه‌های اصلی ولایت‌نامه است. ولایت‌نامه سلمان و دشت ارژنه در زمره ولایت‌نامه‌هایی است که مناقب خوان سعی دارد به صورت قصه در قصه و در هر قصه

با ذکر کرامتی، به تعریف و تبیین شخصیت حضرت علی بپردازد و البته تمهیداتی برای باورپذیری این داستان‌ها نیز می‌اندیشد. پیش از آن که به این مبحث بپردازیم لازم است درباره حساسیت شاعرانگی در باب ائمه شیعه دو نکته را هم‌زمان لحاظ کنیم: از سویی می‌دانیم اغراق و غلو از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر شعر و شاعرانگی است و از سویی دیگر به حساسیت و مخالفت شدید بزرگان دین به‌ویژه علی^(ع) با هر گونه اغراق و غلو درباره شأن و جایگاه آن‌ها واقفیم. متأسفانه این اغراق و غلو در وصف حضرت علی^(ع) و نسبت دادن ویژگی‌های فوق بشری به ایشان از زمان خود حضرت شروع شده است. باوجود حساسیت و مخالفت شدیدی که آن حضرت با این امر داشتند و بارها شیعیان را از مدایح غلوآمیز بازمی‌داشتند، همچنان این جریان ادامه پیدا کرد و غالی‌گری موجب ترویج باورهای نادرست در میان گروهی از شیعیان شد. بی‌تردید شعر زمینه مناسبی برای این گونه باورها بود، چراکه جولانگاه تخیل اغراق‌آمیز است و خرده‌ای بر شاعر نمی‌توان گرفت. از این رو لازم است با تأمل در عباراتی که شاعران در مدح ایشان به کار می‌برند فاصله میان تعابیر شاعرانه را با تعابیر مبتنی بر روایات و شواهد تاریخی حفظ کرد. برای مثال در داستان سلمان و دشت ارژنه، بخشی از مدایح ذکر شده برای آن حضرت مبتنی بر روایاتی است که در منابع شیعه دیده می‌شود. برای نمونه روایتی از پیامبر، صلی‌الله‌علیه و آله، نقل شده است که فرمودند: «اگر درختان قلم و دریاها مرکب و جنیان حسابگر و آدمیان کاغذ شوند، نمی‌توانند فضائل علی بن ابی‌طالب را بشمارند که فضیلت‌ها و حالات او را از نظر شرف و کمال جز خدای سبحان و رسولش نمی‌داند» (دیلمی، ۱۳۷۷، ج ۲/ص ۲). این روایت در ولایت‌نامه «مناقب دشت ارژنه» با روایت افچنگی بازتاب پیدا کرده است:

افچنگی را چه زهره که وصف علی کند لیکن درین قصیده سخن کرد مختصر
دریا اگر ممداد و درختان قلم شوند هفت آسمان ز کاغذ و جبرئیل مدح‌گر

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژن» _____ اکرم کرمی و همکار

با جمله در ملائک و جنی و آدمی از صد هزار گفته نباید یکی دگر
(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۲)

مورد دیگر، خلقت حضرت پیش از همه موجودات و هم‌زمان با خلقت نبی است.
این روایت به گونه‌ای نور وجود حضرت را ازلی می‌سازد و در کتاب‌های روایی تشیع
ذکر شده است.

از سلمان فارسی روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: من و علی در پیشگاه الهی
به صورت نوری معلق بودیم؛ آن نور، تسبیح و تقدیس خدا را می‌کرد. چهار (ده)
هزار سال پیش از آن که آدم را بیافریند. چون حضرت آدم را خلق کرد، آن نور را
در صلب او قرارداد، ما پیوسته باهم در یک چیز بودیم تا آن که در پشت عبدالمطلب
از یکدیگر جدا شدیم؛ یک جزء، آن من و جزء دیگر، آن علی شد. من در نبوت
بروز کردم و علی در خلافت (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ص. ۷۰).

در داستان «سلمان و دشت ارژن» به روایت سید علی نیز به این نکته اشاره شده
است:

بشد پیدا به معنی و صورت که او معنی و صورت راست مظهر
نه کهسار و نه دشت و نه زمین بود نه خاک و نه باد و نه آب و نه آذر
نه دوزخ بود نه فرودس اعلی نه افلاک و نه مهر و ماه و اختر
که نور من بُد و نور علی بُد یکی جانیم پیدا در دو پیـــکر
(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۸)

اما پاره‌ای از روایات و عباراتی که به آن حضرت نسبت داده می‌شوند، قابل توجیه
و توضیح با مستندات تاریخی و روایی نیست و باید با لحاظ وجه شاعرانگی، آن‌ها را
تفسیر کرد. شاعران غالباً تلاش می‌کنند با اتخاذ شگردهای گوناگون این بخش از
تخیلات خود را برای مخاطبان باورپذیر کنند. از آن جمله می‌توان به مستندسازی

روایت و تکیه بر باورهای عامیانه، اسطوره‌ای و دینی اشاره کرد. در ادامه به این دو مبحث مرتبط با داستان دشت ارژن می‌پردازیم.

۱-۸. مستندسازی روایات

در این شگرد، شاعر برای روایت خود مستندات مختلفی از آن جمله انتساب داستان به راوی موثق، مشخص کردن زمان و مکان دقیق ذکر می‌کند به گونه‌ای که روایت را باورپذیر می‌سازد.

۱-۱-۸. انتساب داستان به راوی مشخص

در ولایت‌نامه‌ها به دلیل وقوع رویدادهای خارق‌العاده، شاعران تلاش می‌کنند با انتساب روایت خود به منبع و یا شخصیتی موثق، آن را در نظر مخاطبان باورپذیر سازند. برای مثال در همین سه روایت از داستان دشت ارژن ملاحظه می‌کنیم که سید علی داستان خود را به سلمان فارسی که به‌ویژه برای ایرانیان قابل احترام است، نسبت می‌دهد تا از این طریق بر صحت روایت و میزان اعتماد مخاطب بیفزاید:

به نظم آرم ولایت‌نامه‌های ز مجموع ولایت‌های حیدر
روایت می‌کند سلمان که روزی علی مرتضی شاه دلاور
(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۴)

افجنگی نیز همچنان سلمان را راوی این روایت می‌خواند:

اسناد این حدیث ز سلمان فارسی بشنو به گوش هوش ایا مؤمن این خبر
(همان، ص. ۱۴۴)

اما آتشی شیرازی با نسبت دادن این روایت به فرد معتبر دیگری چون جابر انصاری

تلاش می‌کند بر صحت و اعتبار روایت خویش بیفزاید:

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژن» _____ اکرم کرمی و همکار

چنین گوید خبر جابر که شاه اولیا حیدر به ظاهر بود سالش هفت به باطن روح روحانی
(آتشی شیرازی، برگ. ۱۱۳)

۲-۱-۸. ذکر زمان و مکان رویداد

چنان‌که می‌دانیم در شیوه‌ داستان‌گویی سنتی ذکر زمان و مکان از اهمیت چندانی برخوردار نیست؛ مگر آن‌که با پی‌رنگ داستان پیوند خورده باشد. در ولایت‌نامه ذکر مکان در جهت مستند بودن و واقعی بودن روایت می‌تواند مؤثر باشد. یکی دیگر از راه‌هایی که مستمع به صحت روایت راوی اعتماد می‌کند «استفاده راوی از یک مکان (Setting) مستند برای داستان است که غیرمستقیم به داستان، بار تاریخی و واقعی می‌دهد» (بامشکی، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۸). از آنجاکه این روایت در سه اپیزود است، در سه مکان مختلف نیز داستان دنبال می‌شود: ۱. مکان سخن گفتن سلمان فارسی با حضرت علی (ع)؛ ۲. مکان داستان رویارویی شیر با حضرت علی؛ ۳. مکان سخن گفتن پیامبر اکرم با سلمان فارسی.

مکان داستان در اپیزود اول از در روایت سید علی شهر مدینه و در روایت آتشی شهر مکه ذکر می‌شود. البته در ولایت‌نامه افجنگی مکان داستان در اپیزود اول مشخص نیست.

نشسته بود در شهر مدینه فراز منظری چون قصر قیصر

(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۴)

به مکه شادمان روزی نشسته بود با سلمان نهاده یک طبق پیشش رطب از صنع یزدانی

(آتشی شیرازی، برگ. ۱۱۳)

مکان داستان در اپیزود دوم، «دشت ارژن» است که نقطه اشتراک هر سه روایت است. «دشت ارژن» در منابع مربوط به جغرافیای تاریخی مکانی شناخته شده است و

با توجه به توضیحات داده شده در این منابع با روایت پیوند نسبتاً خوبی برقرار می‌کند، از این رو در تاریخی نشان دادن ماجرا می‌تواند تأثیرگذار باشد. در *فارسنامه* ابن بلخی آمده است که «دشت ارژن بر کنار بحیره ارژن است و بیشه است و معدن شیر، طول آن ده فرسنگ در عرض یک فرسنگ» (ابن بلخی، ۱۳۳۹، ص. ۱۵۴) حمدالله مستوفی در *نزهه القلوب* گوید:

مرغزار دشت ارژن در کنار بحیره است که در آن صحراست و در آن حدود بیشه‌ای است و درو شیران شرز به باشند و حکایت امیرالمؤمنین علی و سلمان فارسی و قصه دشت ارژن مشهور است. از این دشت ارژن است طول این مرغزار دو فرسنگ و در عرض یک فرسنگ (مستوفی، ۱۳۶۲، ص. ۱۳۵).

به این ترتیب دیده می‌شود مکان روایت که در نزدیکی شیراز واقع شده است با مکان زیست سلمان فارسی تناسب دارد و نیز حضور شیر در این مکان قابل توجه است. مکان داستان در اپیزود سوم دوباره به مکان داستان در اپیزود اول یعنی شهر مکه یا مدینه برمی‌گردد.

۲-۸. تکیه بر باورهای اعتقادی، اسطوره‌ای و عامیانه

در روایت دشت ارژنه کرامت‌هایی به سلمان و علی (ع) نسبت داده است که پاره‌ای از آن‌ها مبنای روایی دارد که بدیهی است مؤمنان به آن باور داشته باشند، اما پاره‌ای از آن‌ها مبتنی بر باورهای عامیانه است و گاه ریشه‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای دارد که به دلیل آشنایی پیشین مخاطب با این امور خارق‌العاده در فرهنگ خود، باور کرامت‌ها برای او سهل می‌شود. تحقیق در منشأ این روایت‌ها خود موضوعی قابل توجه است. در ادامه تلاش می‌کنیم به تبیین ریشه و منشأ کرامت‌های نسبت داده شده به علی (ع) در این داستان بپردازیم.

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» اکرم کرمی و همکار

۱-۲-۸. طیّ الارض یا درهم کشیده شدن مکان

کرامتِ طیّ الارض در روایاتی از زندگی عارفان مسلمان و غیرمسلمان دیده می‌شود. در قرآن ماجرای آوردن تخت ملکه صبا توسط آصف بن برخیا در آیات سی و هشتم و سی و نهم سوره نمل آورده شده است؛ بنابراین این کرامت ریشه روایی و قرآنی دارد. این نوع کرامت را شیعه به معصومین نیز نسبت داده است:

به اعتقاد شیعیان همه فضای عالم جولانگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) است و حضور جسمانی و روحانی امام در پهنه جغرافیایی کره زمین محدود به مکان و فضایی خاص نیست. از این رو مردم حضور او را در بسیاری از نقاط ایران محقق می‌دانند و نشانه حضور او را سنگ‌ها، کوه‌ها، چشمه‌ها، درخت‌ها و مکان‌هایی می‌پندارند که به او منسوب‌اند و به نام علی نامیده می‌شوند و به فیض نیروی قداست او آن‌ها را متبرک و مقدس می‌انگارند و برای آن‌ها نیروی درمانی و شفادهنگی و مراددهی تصور می‌کنند (بلوکباشی، ۱۳۹۲).

در ولایت‌نامه‌های متعدد دیده می‌شود که حضرت علی (ع) برای گره‌گشایی در موضوعات مختلف مجبور می‌شدند شهر خود را ترک کنند و به آن مکان بروند. در داستان دشت ارژنه نیز حضرت علی (ع) به جهت نجات جان سلمان فارسی به دشت ارژنه، مکانی نزدیک شیراز، می‌رود که طبیعتاً با مکان زندگی حضرت علی که سرزمین مکه است فاصله زیادی دارد.

۲-۲-۸. درهم کشیده شدن زمان

سفر به گذشته و آینده و گذشت زمان با سرعتی بیش از زمان معمول که از آن تعبیر به «طی الزمان» شده است، به برخی از بزرگان و صوفیان نسبت داده شده است. شاید بتوان نمونه قرآنی آن را در آیه ۲۵۹ سوره بقره، ماجرای مردی را بیان کرد که در مسئله

حیات بعد از مرگ تردید کرد و خداوند صد سال او را میراند، درحالی که برای او نیم یا یک روز بود و آنچه در اطراف او بود تغییری نکرده بود. در معجزه ردالشمس که با دعای پیامبر صورت گرفت نیز زمان به عقب برگشت. به هرروی یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی^(ع) درهم کشیده شدن زمان است، یعنی زمان به اذن خداوند برای ولی خدا جابه‌جا می‌شود. این کرامت در این سه روایت مشهود است. مناقب‌خوانان در این سه روایت به حضور حضرت علی^(ع) خارج از چارچوب زمانی و مکانی به منظور نجات سلمان فارسی اشاره دارد. نکته درخور تأمل این داستان تأکید مناقب‌خوانان به فاصله سنی سلمان فارسی و حضرت علی^(ع) است. در این داستان‌ها، راوی تأکید دارد زمانی که حضرت قصد شوخی با سلمان فارسی دارند سلمان از شوخی حضرت علی^(ع) ناراحت می‌شوند و تأکید می‌کنند که من پیری سال‌خورده هستم و عمرم بیش از سیصد سال است و تو کودک خردی هستی با من به شوخی منشین. حضرت با یادآوری داستان در دوران کودکی سلمان فارسی به حضور خود در سیصد سال پیش اشاره می‌کند:

هنگام هفت سالگی مرتضی علی	معجزنمای خواجه سلمان خوش‌خبر
روزی نشسته بد اسدالله مرتضی	بر بام غرفه که بدش شهر در نظر
هفت ساله بود یا کم و یا بیش مرتضا	پیشش نهاده و بد رطب چند در نظر...
سلمان به پای غرفه همی دوخت خرقه را	کان خرقه بود پوشش آن پیر سال خور
زد بر وجود سلمان یکدانه زان علی	آن شاه دین و دنیا وان سید پسر
سلمان ز خشم تافته شد گفت یا علی	معصوم زاده تو پاکیزه از پدر
بازی مکن که بی‌خردی نیست کار تو	بشنو کنون نصیحت و پند من ای سپر
من پیرم و تو کودک هم‌سال من نه	ای نوجوان به پیران بازی مکن دگر

(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۵)

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

۳-۲-۸. مواجهه با حیوانات درنده

مواجهه با حیوانات درنده از جمله ارتباط و یا نبرد با شیر، بیشتر از آن‌که رنگ کرامت داشته باشد به تم تکراری در افسانه‌های عامیانه و اسطوره‌ها نزدیک می‌شود. «شیر در اسطوره و ادبیات مظهر قدرت و توان و نیرو است» (یاحقی، ۱۳۸۸، ص. ۵۳۰). از این رو از پای درآوردن آن و یا گرفتن انگشتی و یا تاج از او نشان شجاعت و اقتدار است که در بسیاری از روایات عامیانه و اسطوره‌ای از جمله نبرد اسفندیار با شیران در منزل دوم (۱۳۷۹، ص. ۶۹۱) تاج برگرفتن بهرام از میان دو شیر را در منظومه هفت پیکر نظامی (۱۳۱۴، ص. ۹۷) می‌توان چنین مضامینی را دید. در ادبیات دینی، در داستان انبیا و اولیا می‌بینیم که آن‌ها قدرت سخن‌گویی با حیوانات را دارند، چنان‌که در مورد داستان هدهد و سلیمان نبی، ماجرای امام رضا (ع) و آهو این آشنایی با زبان حیوانات و ارتباط گرفتن صلح‌آمیز با آن‌ها را شاهدیم. متهمی در مواجهه حضرت علی (ع) با شیری که سلمان را تهدید کرده سه روایت متفاوت را شاهد هستیم. در روایت سید علی، شیر مطیع حضرت می‌شود و با حضرت سخن می‌گوید و از ایشان فرمان‌بری می‌کند. هرچند سید علی این اطاعت و تسلیم را ناشی از بیم جان می‌داند، اما سخن گفتن شیر با حضرت و تکریم ایشان را در این روایت شاهدیم.

سمند تیز تک در زیر رانش	فکنده برقععی بر روی اطهر
بغزید و بزد یک نعره بر شیر	که شیر از بیم آن میر دل‌آور
بلرزید و فتاد از بیم بر خاک	همی زد دم ز هیبت بر زمین بر
به پیش شاه مردان رفت آن شیر	نهاد از بیم جان در پای او سر
زبان بگشود کرد اول سلامش	ز لطف کردگار فرد اکبر
به پای مرکبش افتاد و با او	به گفتار آمد از فرمان داور
دعا بر جان او کرد و روان شد	نهان شد اندر آن وادی منکر

(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۶)

درحالی که در ولایت‌نامه سلمان و دشت /ارژنه از آتشی و افجنگی حضرت علی (ع) با شیر نبرد می‌کند.

در آن دم شهسواری ناگهان از غیب شد پیدا به کف تیغ و به رخ برقع ستورش شد جولانی

رسید و زد دونیمه شیر را ز انسان که در میدان نگردهد بیش و کم یک جو دو صد ره گر بسنجانی

(آتشی شیرازی: برگ. ۱۱۴)

همان‌طور که پیش‌ازین بیان شد، در غالب کراماتی که به عارفان و بزرگان دین نسبت می‌دهند، رفتار آن‌ها با حیوانات مبتنی بر صلح بوده است، به‌گونه‌ای که هم آن بزرگان از آسیب رساندن به موجودات خودداری می‌کردند هم براساس ولایتی که بر جهان خلقت داشتند به‌نوعی موجودات در خدمت و اطاعت آنان بودند. در ولایت‌نامه افجنگی و آتشی این کرامت دیده نمی‌شود و تنها بر قدرت و شجاعت حضرت تأکید دارد. با توجه به توضیحات ارائه‌شده می‌توان گفت پی‌رنگ داستان افجنگی و آتشی نسبت به روایت سید علی ضعیف‌تر است، ضمن این‌که دونیم کردن شیر توسط حضرت علی (ع) در ذهن مخاطبان با نگاره‌هایی که از قدیم‌الایام وجود داشته و در آن شیری در مقابل حضرت زانو زده، در تعارض است.

۴-۲-۸. پیکرگردانی بر بنیاد یک لقب

ارتباط میان حضرت علی (ع) و شیر در فرهنگ تشیع، فراتر از ماجرای مطیع بودن سایر موجودات در برابر آن حضرت است که پیش از این بیان شد. لقب «اسدالله» در روایات متعدد به آن حضرت نسبت داده شده است. برای مثال علامه مجلسی روایتی آورده که از پیامبر (ص) سؤال شده: «زاهدترین و خدایی‌ترین انسان کیست؟ آن حضرت فرمود: «علی وصی‌ای و ابن عمی و اخی و حیدری و کراری و صمصامی و اسدی و اسدالله»

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

علی (ع) که وصی من، عموزاده‌ام، برادرم، شجاع‌ترین پشتیبانم، شجاع‌ترین حمله‌کننده به دشمن، شمشیرم، شیرم و شیر خداست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۳۹/صص. ۷۳-۷۴). به‌راستی لقب «اسدالله» برای آن حضرت از کجا آمده است؟ در ادبیات تشیع گونه‌ای تشرّف برای حضرت علی (ع) به شکل «گذار او از جهانِ خاکی به جهانِ افلاکی و مینوی» یا به عبارتی «سیری از فرش به عرش» دیده می‌شود که گویند حضرت علی (ع) در شب معراج همراه پیامبر گرامی اسلام بوده است. این لقب به ماجرای همراهی آن حضرت با رسول خدا در این سفر مربوط می‌شود. روایات مرتبط با اعطای لقب «اسدالله» به امیرالمؤمنین (ع) به واقعه معراج مربوط می‌شود. شوشتری در کتاب *احقاق الحق و ازهاق الباطل* بیان می‌کند که در شب معراج امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، اسدالله الغالب نام گذاشته شدند (شوشتری، ۱۴۰۴، ج. ۴/ص. ۲۷۹).

در داستان‌های عامیانه این لقب به حضور نمادین آن حضرت در شمایل شیر در شب معراج تغییر یافته است. امری که در اسطوره از آن به پیکرگردانی تعبیر می‌شود و نمونه‌های متعددی از آن را می‌توان سراغ گرفت. بنیاد پیکرگردانی مبتنی بر اغراقی است که در یک تشبیه دیده می‌شود. این اغراق نخست تشبیه را به سوی استعاره سوق می‌دهد و درنهایت استعاره جنبه حقیقت به خود می‌گیرد. در *شاهنامه* بارها ملاحظه می‌کنیم که قهرمان دیگر تشبیه شیر نیست، بلکه خود شیر است که به میدان می‌آید و می‌غرد. شیر در باورها و اساطیر ملل مختلف به‌عنوان «سمبل آتش، پارسایی، پرتو خورشید، پیروزی، دلاوری، روح زندگی، درندگی، سلطنت، شجاعت، عقل، غرور، قدرت الهی، قدرت نفس، مراقبت و مواظبت شناخته شده است» (یاحقی، ۱۳۸۸، ص. ۵۳۳). پاره‌ای از این ویژگی‌ها موجب شده است در ادبیات ادیان و مذاهب نیز نوعی انتساب شخصیت‌ها را به شیر شاهد باشیم. «نه تنها پادشاهان و دلاوران، بلکه بسیاری از بزرگان دین و مذهب نیز از پیروان خود به دریافت لقب شیر متصف شده‌اند؛ از جمله

عیسی^(ع) شیر یهودا، کریشنا شیر بودیسم و علی^(ع) شیر خدا» (قبادی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۱). در ادبیات فارسی این نماد جلوه خاصی در شخصیت مولا پیدا کرده است. برای نمونه مولوی در دیوان غزلیات شمس تبریزی، نه بار امام علی^(ع) را با شیر خدا یا شیر حق خوانده است (رک: ۱۳۶۳، صص. ۳۷، ۲۱۹، ۲۷۸) همین‌طور در شعر سنایی (رک: ۱۳۴۱، ص. ۵۷۱) و در شعر ناصرخسرو (رک: ۱۳۰۷، ص. ۲۱۵) این لقب حضرت مشاهده می‌شود. با این توضیحات می‌توان از روایاتی که چنین صورتی از بزرگان ارائه می‌دهند، تفسیری ادبی و نمادین داشت.

در روایت سید علی از داستان سلمان و دشت ارژن که قدیمی‌تر است پیامبر حضرت علی^(ع) را در هیئت یک شخص می‌بینند که خداوند او را به پیامبر معرفی می‌کنند و ماجرای دیگری اتفاق نمی‌افتد.

اما در روایت افجنگی، پیامبر علی^(ع) را به شکل شیری می‌بینند که البته صحبتی باهم نمی‌کنند.

با جبرئیل من که به معراج حق شدم	جایی که کس نکرده بدان جایگه گذر...
با من چو راز گفت خداوند ذوالجلال	شاهی همی شنود ستاده ز دورتر
دیدم به شکل شیر یکی مرد باشکوه	در پای عرش ناگهم افتاد چون نظر
چون نیک بنگریستم آن شخص بد علی	با من سخن نگفت و ز جا برنداشت سر

(پارساپور و کرمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۰)

در این روایت می‌بینیم که پی‌رنگ داستان به روایات اسطوره‌ای و افسانه‌ای نزدیک شده است و نماد شیر جایگزین شخص حضرت علی^(ع) شده است.

اما در روایت آتشی ماجرا مفصل‌تر بیان می‌شود. پیامبر، علی^(ع) را به صورت شیری می‌بینند که به دربانی بارگاه حق ایستاده است. شیر با زبان حال از پیامبر حق دربانی را طلب می‌کنند، پیامبر انگشتی خود را در دهان او می‌گذارد. بعد از ورود به بارگاه از پشت پرده‌ای از نور، دستی بیرون می‌آید که همان انگشتی را در انگشت دارد. خداوند

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار

با پیامبر در عرش با صدای علی (ع) سخن می‌گوید و رسول حق را برگزیده انبیا و علی (ع) را بهترین دوست او معرفی می‌کند.

نهادم قدم بر تارک این چرخ کیوانی	شب معراج از امر خدا زین خاکدان دهر
ستاده بر سر راهم کند شخصی چه دریانی	بدیدم برفراز عرش شیری به صد هیبت
که یعنی ره نگه‌دارم به من ده حق دریانی	مرا چون دید پیش آمد و دهان برگشاد از هم
روان ز انگشت خود کردم برون مهر سلیمانی	چو من دیدم بدانستم که او را هدیه‌ای باید
رسیدم بر در بار جلال خاص یزدانی...	فکندم در دهانش زودره بگشود بگذشتم
بیاوردند در پیشم ز عزت بهر مهمانی	بدیدم پرده‌ای از نور و خوانی در پس پرده
تو گفתי بود دست مرتضی آن شاه عمرانی	عیان شد دستی از پرده برون با من بشد همراه
نهان در دل همی گفتم علی را بهتر از جانی	همان خاتم که دادم شیر را دیدم در انگشتش

(آتش شیرازی: برگ. ۱۱۵)

در این روایت علاوه بر حضور نمادین شیر به جای شخصیت مولا، دو نکته دیگر نیز مطرح می‌شود که درخور تأمل است. نخست تم نگهبانی دادن شیر در عرش است که باز با اسطوره‌های ایرانی گره خورده است. در کهن‌ترین تصاویر از دوره هخامنشی که مربوط به پرستش خورشید خدا بوده است، شیران نگهبانان نمادین پرستشگاه‌ها و قصرها و آرامگاه‌ها بودند (یا حقی، ۱۳۸۸، ص. ۵۳۰). در معماری بناهای باشکوه و مهم هنوز مجسمه‌هایی از شیر در کنار در ورودی مشاهده می‌شود که همین مفهوم نمادین را با خود دارد.

اما نکته دوم، اهدای انگشتی پیامبر به شیر در شب معراج است که شاید به این روایت اشاره باشد که شیخ مفید نقل می‌کند:

در آخرین روزهای بیماری پیامبر اکرم ایشان به علی رو کردند و فرمودند: «برادر! آیا تو وصیت و جانشینی مرا می‌پذیری که بعد از من وعده‌هایم را وفا نمایی؛ به‌خاطر من مذهبم را به‌جا آوری و از میراث اهل بیتم حراست فرمایی؟» حضرت

علی پاسخ دادند: آری ای رسول خدا. پیامبر علیه فرمودند: «نزدیک من بیا». او به پیامبر نزدیک شد و پیامبر او را در آغوش کشید. پیامبر انگشتی را از دست بیرون آورد و گفت: «این را بگیر و در دست کن» (شیخ مفید، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱).
شایسته‌فر با توجه به این روایت می‌نویسد: «این حلقه احتمالاً می‌تواند حلقه‌ی جانشینی امامت نامیده شود» (شایسته‌فر، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۴).

۹. نتیجه

حضور حضرت علی^(ع) در میان حکایت‌ها و قصه‌های عامیانه پررنگ است. روایت‌های متعددی از ایشان در سینه‌های عامه‌ی مردم ثبت است که مناقب‌خوانان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تثبیت این قصه‌ها نقش داشته‌اند. این داستان‌ها در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحولاتی شده‌اند و گاه با اسطوره‌ها گاه با تاریخ گاه با روایت‌های دینی درهم‌آمیخته‌اند. خواست و آرزوی بشر برای درمانگری، مشکل‌گشایی و چاره‌گری با شخصیت حضرت در این قصه‌ها پیوند خورده است.
گونه‌ی ادبی ولایت‌نامه به‌دلیل ساختار داستانی بستر مناسبی برای نقل این گونه داستان‌های عامیانه است. داستان *سلمان و دشت ارژنه* یکی از این قصه‌های عامیانه است که روایت‌های متعددی از آن وجود دارد و در قالب گونه‌ی ادبی ولایت‌نامه سروده شده است. قدیم‌ترین اشاره به این داستان ظاهراً به قرن ششم باز می‌گردد. این پژوهش نشان داد که کلیت این داستان در کتب روایی نقل نشده است، اما به‌نظر می‌رسد روایت‌پردازان با ترکیب چند کرامت نقل شده از آن حضرت در متون روایی و افزودن وقایع و حوادث فرعی به آن این داستان را شکل دادند. همچنین مقایسه‌ی سه روایت از این داستان با فاصله‌ی حدود ۲۵۰ سال نشان داد که به مرور باورهای اسطوره‌ای و عامیانه بیش‌ازپیش به این داستان راه پیدا کردند. این داستان به کرامت‌هایی

واکاوی ریشه‌ها و اندیشه‌ها در سه روایت تاریخی از «سلمان و دشت ارژنه» _____ اکرم کرمی و همکار
از حضرت علی (ع) نظیر طی الارض، رازدانی و غیب‌گویی، ارتباط از سر سلم و دوستی
با حیوانات، طی الزمان و ... اشاره دارد که البته ذکر این کرامات همراه با اغراق و غلو
در باره ایشان بوده است.

منابع

- اهلی شیرازی، م. (۱۳۴۴). کلیات اشعار اهلی شیرازی. به کوشش ح. ربانی. تهران: نشر
کتابخانه سنایی.
- ابن بلخی (۱۳۷۴). فارسنامه ابن بلخی. تصحیح م. رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- آتشی شیرازی، ح. (قرن ۱۰). دیوان آتشی شیرازی. نسخه خطی دیوان آتشی شیرازی کتابخانه،
موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۹۳۷۶.
- بلندی، ز. (۱۳۹۱). مقدمه، تصحیح و تعلیق فارغنامه. رساله کارشناسی ارشد. کاشان: دانشگاه
کاشان.
- بلوکباشی، ع. (۱۳۹۲). علی بن ابی طالب. بازیابی شده در ۱۵ تیرماه ۱۴۰۱ >
< www.cgie.org.ir.
- حیرتی تونی، ت. (۱۳۹۴). کتیب معجزات. تصحیح م. رحیم‌پور و ی. بیگ باباپور. تهران: نشر
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سنایی، ا. (۱۳۴۱). دیوان سنایی غزنوی. تصحیح مدرس رضوی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- شایسته‌فر، م. (۱۳۸۴). هنر شیعی. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شاقلائی‌پور. ز.، قاضی‌زاده، خ.، و حاصلی، پ. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر متون شیعی بر
شمایل‌نگاری از امام علی (ع) در نگاره‌های فال‌نامه طهماسبی. مطالعات هنر اسلامی، ۳۲، ۹۷-
۱۳۱.

شوشتری، ق. (۱۴۰۴). احقاق الحق و ازحاق الباطل. ج ۴. قم: مکتب المرعشی.

شیخ مفید (۱۳۸۸). ارشاد، سیره ائمه اطهار. ترجمه ح. موسوی مجاب. تهران: سرور.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۰، شماره ۴۶، مهر و آبان ۱۴۰۱

- صافی گلپایگانی، ل. (۱۳۸۹). پاره‌ای از فضائل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. قم: مرکز تنظیم و نشر آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
- عطار نیشابوری، ف. (۱۳۴۵). مظهرالعجایب. تصحیح و مقدمه ا. خوشنویس. تهران: نشر کتابخانه سنایی.
- عطار نیشابوری، ف. (۱۳۸۳). منطق‌الطیر. مقدمه، تصحیح و تعلیقات م.ر. شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- علی بن احمد (۱۳۹۸). جنگ اشعار شیعی. تصحیح ز. پارساپور، و ا. کرمی. تهران: نشر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فردوسی، ا. (۱۳۷۹). شاهنامه. تهران: قطره.
- قبادی، ح. (۱۳۸۸). آیین‌های کیهانی. تهران: ری‌را.
- کرمی، ا. (۱۳۹۷). تحلیل گونه‌های شعر شیعی از قرن هفتم تا نهم با تأکید بر تحلیل بوطیقایی گونه ولایت‌نامه. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کرمی، ا.، و بزرگ بیگدلی، س. (۱۳۹۸). ولایت‌نامه نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی. فرهنگ و ادبیات عامه، ۲۷، ۲۱۵-۲۳۹.
- مجلسی، م. (۱۴۰۴). بحارالانوار. ج. ۱-۱۱۰. بیروت. مؤسسه الوفا.
- محدث نوری، م. (۹). نفس‌الرحمن فی فضائل سلمان. چاپ سنگی.
- مستوفی، ح. (۱۳۶۲). نزهةالقلوب. تصحیح گ. لیسترنج. تهران: نشر دنیای کتاب.
- مولوی، ج. (۱۳۶۳). کلیات شمس تبریزی. تصحیح ب. فروزانفر. تهران: امیرکبیر.
- نادعلی‌زاده، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی ساختار و محتوای شش روایت منظوم از داستان شصت بستن دیو. فرهنگ و ادبیات عامه، ۲۷، ۲۷-۵۱.
- ناصرخسرو (۱۳۰۶). دیوان ناصرخسرو قبادیانی. تصحیح م. مینوی. تهران: کتابخانه طهران.
- نظامی گنجوی (۱۳۱۴). هفت پیکر. تصحیح ح. وحید دستگردی. تهران: مطبعة ارمغان.
- یاحقی، م. (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

References

- Ahli Shirazi.M. (1965). *General poems of Ahli Shirazi* (edited by H. Rabbani). Sanae Library Publication.
- Ali bin Ahmad. (2019). *War of Shiite poems* (edited by G. Parsapour and A. Karami). Publication of the Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Atashi Shirazi, H. (10th century). *Atashi Shirazi court*. Manuscript of Diwan Atashi Shirazi Library, Museum and Documents Center of the Islamic Council under number 89376.
- Attar Neishaburi, F. (1966). *Miracles* (edited by M. MazharolAjayeb). Sanai Library Publication.
- Attar Nishaburi, F. (2004). *Manteqoteir* (edited by M. Shafi'i Kodkani). Sokhan.
- Bolandi, Z. (2016). *Introduction, correction and suspension of Fareghnameh*. Master's thesis, Kashan, Kashan University.
- Bolokbashi, A. (2013). *Ali bin Abi Talib*. Retrieved on July 15, 1401 at www.cgie.org.ir.
- Ferdowsi. A. (2000). *Shahnameh*. Drop.
- Ghobadi, H. (2009). *Ayinhaye Keihani*. Rira Publishing.
- Heirati Tony, T. (2015). *Book of miracles* (edited by M. Rahimpour and Y. Big Babapur). Publication of the Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Ibn Balkhi. (1995). *Farsnameh of Ibn Balkhi* (edited by M. Fasae). Farsnameh Foundation.
- Karami, A. & Bigdeli, S. (2018). Velayat-nameh, a folk literary genre in the field of Shiite poetry. *Popular Culture and Literature*, 7(27), 239-215.
- Karami, A. (2018). *The analysis of Shia poetry types from the seventh to the ninth century with an emphasis on the poetic analysis of the Velayatnameh type*. Doctoral thesis, Tehran, Tarbiat Modares University.
- Majlesi. M. (1983). *Baharanwar* (Volume 1-110). Alofa Institute.
- Molavi, J. (1984). *Generalities of Shams Tabrizi* (edited by B. Farozanfar). Amirkabir Publishing.
- Mostofi, H. (1983). *Nazah al-Qulob* (edited by C. Listrange). Dunya-e Kitab Publishing.

- Muhaddith Nouri, M. (n.d). *Nafas al-Rahman fi Fazael-e-Salman*. Lithography.
- Nadalizadeh, M., & Mohammadi, M. (2019). A comparative study of the structure and content of six poetic narratives of the story of tie the hands of the demon. *Popular Culture and Literature*, 7(27), 27-51.
- Naser Khosrow. (1927). *Court of Nasser Khosro Qobadiani* (edited by M. Menu). Tehran Library.
- Nizami Ganjavi. (1935). *Seven figures*. Armaghan Press.
- Safi Golpayegani, L. (2010). *Some of the virtues of Amir al-Mu'minin Ali (peace be upon him)*. Editing and Publishing Center of Grand Ayatollah Safi Golpayegani.
- Sanai, A. (1962). *Diwan Sanai of Ghaznavi* (edited by Modares Razavi). Ibn Sina Library.
- Shaqlanipour, Z. & et al. (2018). Investigating the effect of Shiite texts on the iconography of Imam Ali (a.s.) in the paintings of *Tahamasbi's Falnameh*. *Islamic Art Studies*, 32, 131-97.
- Shayestefar, M. (2005). *Shia art*. Institute of Islamic Art Studies.
- Sheikh Mufid. (2009). *Ershad, the biography of Imams of Athar* (translated by H. Mousavi Mojab). Server.
- Shushtri, Q. (1983). *Righteousness of right and falsehood*. Al-Marashi School.
- Yahaghi, M. (2009). *Culture of myths and stories in Persian literature*. Farhang Masazar Publishing House.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی